

تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) بر نگرش اخلاقی دانش آموزان و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن

رویا عبدالله پور *

محمد رضا سرمدی **

ذبیح پیرانی ***

محمد سیفی ****

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۲/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن است که مؤلفه‌های نگرش اخلاقی از جمله: رفتار و گفتار مستدل و منطقی، روحیه احترام به ارزش‌های اخلاقی اجتماعی، احترام به دیگران و عزت‌نفس را مورد مطالعه قرار می‌دهد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش نیمه‌آزمایشی است که به شیوه آمیخته انجام شده است (بخشی از پژوهش به صورت کمی و بخشی دیگر به صورت کیفی به تبیین مؤلفه‌ها از منظر قرآن می‌پردازد). جامعه آماری پژوهش ۴۵۳ نفر شامل دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان رامسر بود که ۸۶ نفر به عنوان نمونه پژوهش به روش تصادفی انتخاب شدند. ۴۳ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۴۳ نفر هم به عنوان گروه گواه در نظر گرفته شدند. آزمودنی‌های گروه آزمایش در یک دوره ۱۲ جلسه‌ای در معرض اثر متغیر مستقل قرار گرفتند و پیش‌آزمون و پس‌آزمون به عمل آمد. از پرسشنامه محقق‌ساخته به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران تأیید شد و روایی معیاری ۹۲ درصد و آلفای کرونباخ پرسشنامه ۸۶ درصد بود. فرضیه‌های پژوهش با آزمون کولموگراف-اسمیرنف و تحلیل کواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که برنامه فبک بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر داشت و بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه گواه، تفاوت معنی‌داری وجود داشت و بر رفتار و گفتار مستدل و منطقی، روحیه احترام به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، احترام به دیگران و عزت‌نفس دانش‌آموزان، تأثیر داشت. همچنین در آیات متعددی از قرآن به این مؤلفه‌ها اشاره شده و پرورش و تقویت آن در جامعه جهت همگانی‌کردن اخلاق کریمه مورد تأکید قرار گرفته است. باتوجه به هماهنگی مؤلفه‌های برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) با مفاهیم قرآن در راستای پرورش و نگرش اخلاقی این برنامه به عنوان یک الگوی تربیتی و تجربی موفق که به صورت کاوشگری اخلاقی اجرا می‌شود، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان؛ نگرش؛ نگرش اخلاقی؛ قرآن؛ دانش‌آموزان

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی اراک و مدرس

roya.abdoolahpour@gmail.co

دانشگاه فرهنگیان پردیس رشت

ms84sarmadi@yahoo.com

** استاد گروه علوم تربیتی و روانشناسی پیام نور

z_pirani@iua_ac.ir

*** استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

m_seifi@iua_arak.ac.ir

**** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مقدمه و بیان مسأله

قدمت فلسفه‌ورزی به تاریخ تعلیم و تربیت و اندیشه‌های سقراط برمی‌گردد که برای روشنگری و آگاهی‌بخشی به جامعه «به روش دیالکتیک حس کنجکاوی جوانان را تحریک می‌کرد» (جوسو، ۲۰۰۷). یکی از موفق‌ترین تلاش‌ها در جهت ایجاد برنامه‌ای منسجم، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان^۱ است که توسط ماتیو لیمن و همکارانش به منظور تدوین برنامه تحصیلی در زمینه کاوش فلسفی و اخلاقی به‌عنوان یک الگوی تربیتی برای کودکان از کودکان تا دانشگاه طراحی و اجرا شد (فیشر به نقل از کیان‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶). لیمن بر شیوه‌های عقلانی در برخورد با مسائل اخلاقی تأکید کرد و اساس تربیت اخلاقی را مبتنی بر شناخت می‌داند (لیمن، ۲۰۰۳). با توجه به پیشرفت سریع کشورهای دنیا تربیت افراد خلاق، متفکر و شهروندانی متعهد از ضرورت‌های اساسی نظام آموزشی است (حسینی، ۱۳۹۱). افلاطون تربیت اخلاقی را مبتنی بر دانش و عقل می‌داند، اما پرورش عقلانی به‌تنهایی از نظر افلاطون اخلاق ایجاد نمی‌کند (افلاطون به نقل از روحانی، ۱۳۸۱). در اسلام بر پرورش گرایش‌ها و رفتارهای اخلاقی تأکید شده است (نوروزی و عاطفت‌دوست، ۱۳۹۰). روان‌شناسی اجتماعی بر فرایند تغییر نگرش‌ها تأکید دارد، اما شکل‌گیری و تکوین نگرش‌ها براساس فرایند یادگیری صورت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). «استدلال اخلاقی که با نگرانی همدلانه همراه است، موجب تحول عواطف اخلاقی دانش‌آموزان می‌شود» (دنیل و همکاران، ۲۰۱۴). چون «نگرش اخلاقی آموختنی است و باید با آموزش و آگاهانه شکل بگیرد» (بوربا، ۲۰۰۱، به نقل از کاوسی، ۱۳۹۰: ۲۸). فلسفه برای کودکان تأکید دارد که کودکان قابلیت و توانایی‌های استدلالی و فکری در یک اجتماع پژوهشی دارند. «چون انسان‌ها برای زندگی در دنیای پرچالش و متحول امروز نیازمند مهارت‌های فکری سطح بالا از جمله: تفکر نقاد، خلاق و استدلالی هستند و چنین مهارت‌هایی از طریق آموزش و تمرین قابل دستیابی هستند» (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۶). تفکر فلسفی ایجاد افکار درست، منسجم، جامع و نظام‌مند است که از طریق درک قوانین صحیح تفکر قابل یادگیری است (گوکلپ، ۲۰۱۲). هدف آموزش فلسفه تقویت جستجوی حقیقت، دادن فرصت فکر کردن، پذیرفتن مسئولیت دیدگاه‌ها و اعمال خود، یادگیری نقد و تفکر درباره دیگران، تربیت شهروندان اخلاقی، پرورش روحیه گفتگو و کاوشگری است

(فرم‌هینی، ۱۳۸۷). هدف پژوهش فلسفی، به رشد مهارت‌ها و منش کودکان کمک می‌کند تا بتوانند نقش خود را در یک جامعه به‌طور کامل ایفا کنند. آموزش فلسفه برای کودکان که به روش اجتماع پژوهشی اجرا می‌شود، می‌تواند فرایند منطقی و اخلاقی تکوین نگرش را برای دانش‌آموزان ایجاد کند. اگر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان تقویت شود، یقیناً در مواجهه با مسائل اخلاقی جامعه از ثبات مطلوب‌تری برخوردار خواهند بود. ارسطو به نقش عادت در رشد اخلاقی تأکید دارد و زندگی اخلاقی را مشتمل بر رشد عادات فضیلت‌مدار می‌داند که با تمرین تربیت مطلوب شهروندان تحقق می‌یابد (اسپرود، ۲۰۰۴). «فلاطون و ارسطو تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی را از هم جدا نمی‌دانند» (کاردان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۴). فلسفه برای کودکان «یک روش مشارکتی و گفتگویی در کلاس است» (براو، ۲۰۱۰) و «زمینه رویکرد یادگیری دانش‌آموزمحور را فراهم می‌کند» (گرایونو، ۲۰۱۳). فیشر تأکید دارد که باید «آموزش فلسفه در مدارس ابتدایی جهت کسب تفکر فلسفی از طریق گفتگوی تعاملی مورد توجه قرار گیرد» (جوینز، ۲۰۱۵). در مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور به شأن اخلاقی تربیت تأکید شده است که می‌تواند زمینه تحقق حیات طیبه را فراهم کند (ص ۱۲۴). علی‌رغم اینکه در برنامه‌های درسی مسائل اخلاقی، در نظر گرفته شده است، ولی با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده به نظر می‌رسد، نظام آموزشی در این زمینه موفق نبوده است. با این وجود، تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان موفق به کسب نگرش عمیق اخلاقی نمی‌شوند؛ در صورتی که صاحب‌نظران عقیده دارند «سازمان‌های آموزشی هوشمند نسبت به ایجاد و توسعه ارزش‌های اخلاقی مسئول هستند. باید امور اخلاقی نهادینه شده و به یک باور درونی تبدیل شود» (آقاحسینی، ۱۳۸۹: ۶۰ و ۱۲۸). بررسی نتایج پژوهش‌های انجام شده بر اهمیت برنامه آموزش فلسفه به کودکان تأکید دارند و هریک متغیرها و مؤلفه‌هایی را از جمله حل مسئله، هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی، مهارت‌های کلامی و ... مورد مطالعه قرار دادند، ولی متغیرهای نگرشی از جمله نگرش اخلاقی، تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته است. نگرش، بخش مهمی از هدف‌های تربیتی است و از دیدگاه بلوم در حوزه عاطفی قرار دارد و شامل تغییرات در علاقه‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، رشد ارج‌شناسی و سازگاری است و رفتارهای مربوط به حوزه عاطفی شامل آگاهی، تمایل به دریافت، توجه دقیق، تمایل به پاسخ‌دادن، متقاعد شدن، احساس رضایت در پاسخ‌دادن، پذیرش یک ارزش، ترجیح‌دادن یک ارزش و تعهد نسبت به ارزش و ارزش‌گذاری، درک ارزش، انسجام نظام ارزشی

برای خود، درونی سازی ارزش ها و تبلور شخصیت در فرایند یادگیری است (کیامنش، ۱۳۹۳: ۶۹ - ۶۸) و عموماً مورد غفلت قرار می گیرد. در فارسی، نگرش، طرز رفتار، طرز تلقی، پنداشت، طرز تفکر براساس مفروضات پیشین و مانند آنها ترجمه شده است. نگرش: ترکیب شناخت ها، احساس ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین است که توسط فرد صورت می گیرد (کریمی، ۱۳۹۰). نگرش اخلاقی، عبارت است از انجام کار نیک و دوری از کار زشت با بهره برداری از آزادی که ناشی از جستجوی کمال و تحریک کننده ما به انجام کار اخلاقی وجدان درونی است (جعفری، ۱۳۵۴). نگرش اخلاقی، نگرش هایی که براساس تجربیات کسب شده و رفتارهای اخلاقی افراد را جهت انجام کارهای نیک با بهره گیری از آزادی و اختیار هدایت می کند. نگرش ها به افراد کمک می کنند که بر محیط تسلط داشته باشند، نگرش ها موجب ساده سازی و سازماندهی تجربه می شوند و افراد را برای دستیابی به اهداف هدایت می کنند. نگرش ها مفیدند و جهت برقراری ارتباط سازنده و روابط صحیح با دیگران و حفظ آن کمک می کنند و داشتن نگرش مفید به ابزار صحیح و مناسب عقاید کمک کرده و می تواند تعاملات را هموارتر و مطلوب تر کند (اسمیت، مکی، به نقل از: سپاه منصور و صفارنیا، ۱۳۹۲: ۲۹۲). براساس دیدگاه گانیه «نگرش، بالاترین و آخرین مرحله بازده یادگیری است (سیف، ۱۳۹۱: ۴۷۹). باتوجه به نکات ذکر شده، مسئله پژوهش حاضر این است که کودکان با کنجکاوی و اشتیاق یادگیری وارد مدرسه می شوند، اما پس از ورود به مدرسه پرسشگری دانش آموزان کاهش می یابد. باید پرسشگری دانش آموزان در مدرسه حفظ شود. معلمان و مسئولین مدارس درخصوص رعایت مسائل اخلاقی و انضباطی به صورت مکرر به دانش آموزان توصیه می کنند. در فرایند یادگیری سطوح یادگیری شناختی دانش آموزان از پایین ترین سطح مرحله (دانش و درک و فهم) فراتر نمی رود. در فرایند یادگیری سطوح یادگیری نگرشی دانش آموزان مورد غفلت قرار می گیرد. دانش آموزان در عمل به مقررات مدرسه به عنوان یک شهروند عموماً غفلت می کنند. دانش آموزان نسبت به مسائل اخلاقی و تربیتی بی توجه هستند. بیشترین زمان تدریس معلمان به جای تدریس اثربخش و کارآمد، صرف تبیین و توجیه رفتارهای ناشایست دانش آموزان می شود. بین مفاهیم نظری موجود در کتاب های درسی و رفتارهای عملی دانش آموزان تناقض وجود دارد (به نوعی بین نظر و عمل فاصله وجود دارد). باتوجه به منابع غنی و محتوای آموزشی، شاهد رفتارهای نامطلوب دانش آموزان هستیم. لذا این نگرانی وجود دارد، تعداد زیادی از دانش آموزان به علت عدم کسب

نگرش اخلاقی مطلوب در معرض آسیب‌های مختلف قرار گیرند. با توجه به چالش‌های موجود در نظام آموزشی باید زمینه مطلوب اصلاح نگرش اخلاقی دانش‌آموزان فراهم شود. با تغییر روش‌ها می‌توان دانش‌آموزان را افرادی اخلاقی و شایسته تربیت کرد. این مسائل ممکن است ریشه در نگرش ضعیف دانش‌آموزان داشته باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این فرضیه‌هاست:

۱. آموزش فلسفه برای کودکان بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان، تأثیر دارد.
 ۲. آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار و گفتار مؤدبانه، مستدل و منطقی دانش‌آموزان، تأثیر دارد.
 ۳. آموزش فلسفه برای کودکان بر روحیه احترام به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان، تأثیر دارد.
 ۴. آموزش فلسفه برای کودکان بر روحیه احترام به دیگران دانش‌آموزان، تأثیر دارد.
 ۵. آموزش فلسفه برای کودکان بر احساس ارزشمندی و عزت‌نفس دانش‌آموزان، تأثیر دارد.
- در ادامه، مؤلفه‌های فرضیه‌های پژوهش به‌طور مختصر از منظر قرآن و پژوهش‌های انجام‌شده تبیین می‌شود.

پیشینه پژوهش

یافته‌های پژوهشی قانلی (۱۳۸۳) بیانگر این است که تقویت درک اخلاقی کودکان و فهم صحیح و دقیق ارزش‌های اخلاقی یکی از رویکردهای فلسفی اخلاق در آموزش فلسفه است که به‌عنوان کاوشگری اخلاقی مطرح می‌شود. لیپمن معتقد است که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با انجام فلسفه با روش مباحثه، زمینه رشد اخلاقی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و این با درگیر کردن دانش‌آموز در کاوشگری اخلاقی که مستلزم تفکر نقادانه و خلاقانه است، میسر می‌شود.

یافته‌های پژوهشی صفایی مقدم و همکاران (۱۳۸۵) بیانگر این است که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر مهارت‌های استدلالی دانش‌آموزان، تأثیر مثبتی دارد و نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور هماهنگ است. یافته‌های پژوهشی مرعشی و همکاران (۱۳۸۶) بیانگر این است که کودکان باید بیاموزند که

همه اعمال اخلاقی دلیل دارند و نیازمند مهارت‌هایی هستند که به آنها کمک کند تا تعارض‌های اخلاقی زندگی را حل کنند.

یافته‌های پژوهشی هدایتی (۱۳۸۸) بیانگر این است که آموزش فلسفه برای کودکان رویکرد کودک‌محور دارد و کودک را از محدودیت‌های مدرسه رها می‌سازد و بر یادگیری و ساختن دانش تأکید دارد.

بررسی مطالعات حسینی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که کودکان قابلیت و توانایی‌های استدلالی و فکری در یک اجتماع پژوهشی را دارند. «چون انسان‌ها برای زندگی در دنیای پرچالش و متحول امروز نیازمند مهارت‌های فکری سطح بالا از جمله: تفکر نقاد، خلاق و استدلالی هستند و چنین مهارت‌هایی از طریق آموزش و تمرین در برنامه فلسفه برای کودکان قابل دستیابی هستند.»

یافته‌های پژوهشی رشتچی (۱۳۸۹) بیانگر این است که کلاس‌های فلسفه برای کودکان، نه تنها فراگیری مفاهیم را تسهیل می‌کند، بلکه فکر کردن را نیز به کودکان یاد می‌دهد. فلسفه برای کودکان پل ارتباطی میان رشد شناختی و تعامل اجتماعی است.

یافته‌های پژوهشی رضوانی (۱۳۸۹) بیانگر این است که در برنامه درسی فلسفه برای کودکان تأکید می‌شود تا دانش‌آموزان مسائل را با دیدی وسیع و کلی بنگرند و در بررسی امور جوانب مختلف موضوع را مورد بررسی قرار دهند. همچنین در این برنامه، دانش‌آموزان می‌توانند مسائلی را که در کلاس درس و مدرسه با آن مواجه می‌شوند، با مسائل واقعی زندگی خویش ارتباط داده و از آنها برای حل مشکلات آتی زندگی استفاده نمایند. آنها یاد می‌گیرند که سؤال‌های اساسی بپرسند و درباره آنچه نمی‌دانند پرسش کنند. آنها می‌آموزند تا به خلق مفاهیم و ایده‌ها پردازند و عقایدی را که مسلم فرض می‌شوند، مورد سؤال قرار دهند. توانایی کنترل خویش و انتخاب صحیح نیز از دیگر مواردی است که در برنامه درسی فلسفه برای کودکان مورد توجه است، بنابراین، می‌توان دریافت که در برنامه درسی فلسفه برای کودکان، ابعاد اساسی و جنبه‌های مختلف ذهنیت فلسفی مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهشی فخرایی (۱۳۸۹) حاکی از آن است که فلسفه برای کودکان به معنای آموزش آراء و افکار فلاسفه نیست، بلکه تفکر فلسفی را نیز دربر می‌گیرد که هدفش ارتقای تفکر خلاق و انتقادی در کنار بهبود ابعاد اخلاقی، عاطفی و عقلانی سطح فکری افراد است.

یافته‌های پژوهشی بدری گرگری و اوحدی (۱۳۹۴) حاکی از آن است که «فلسفه برای

کودکان موجب رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان گروه آزمایش و موجب رشد ظرفیت درک درست از نادرست و داشتن باورهای اخلاقی و به کارگیری اصول اخلاق جهانی آنها شده است. محیط آموزشی کلاس‌های فلسفه برای کودکان نه تنها فراگیری مفاهیم اخلاقی را تسهیل می‌کند، بلکه موجبات رشد اخلاقی را نیز در کودکان فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهشی گئور (۲۰۱۱) حاکی از آن است برنامه p4c از طریق کاوش لذت‌بخش بوده و به توسعه مهارت تفکر کودکان کمک می‌کند، چگونه فکر کردن را به آنها می‌آموزد، پرسش‌های کودکان با کیفیت‌تر، خلاق‌تر و منطقی‌تر شده و به طرح سؤال و ایجاد ایده‌های جدید از طرف کودکان کمک می‌کند، بر یادگیری مادام‌العمر تأثیر دارد، معلمان در طول دوره آموزش باید صبور باشند و فلسفه برای کودکان در دوران اولیه، ضروری و حیاتی است.

یافته‌های پژوهشی گولدینگ (۲۰۱۱) حاکی از آن است با به کارگیری روش‌ها و فرایندهای گفتگوی فلسفی و پرس‌وجو در کلاس درس به عنوان ابزاری برای یادگیری فعال کودکان است و دانش‌آموزان را به درک جهان و خود قادر می‌سازد و مسائلی همچون شهروندی، اخلاق ارزش‌های آموزش و پرورش، زیبایی‌شناسی، ساخت معنا و طبیعت کودکان مورد بحث قرار می‌گیرد. p4c یک نظریه آموزشی جدی است که لیپمن آن را فلسفه آموزشی یا آموزش کاربردی فلسفه می‌نامد که تلفیقی از نظریه آموزش و پرورش و فلسفه است و بنیادهای نظری آن برگرفته از آموزش کنجکاوانه و بازخوردی دیویی، پرس‌وجوی عملی و پژوهشی پیرس و ویگوتسکی، نظریه یادگیری اجتماعی مید و نظریه گفتگوی گادامر و هابرماس است.

یافته‌های پژوهشی کولدس، نظام اسماعیل و هاشم (۲۰۱۳) حاکی از آن است که آموزش تفکر موجب تصمیم‌گیری‌ها، قضاوت‌های صحیح و ایده‌های خلاق دانش‌آموزان شده، به افزایش درک بیشتر خود و فراتر از آنچه که هستند، کمک می‌کند. آگاهی توأم با درک و احساس و شناخت است. تفکر آگاهانه فرایند زایشی را در افکار دانش‌آموزان ایجاد می‌کند، موجب کنترل آگاهانه رفتارهای شخصی، نگرش‌ها، حالات هیجانی و عاطفی و سازگاری فردی و اجتماعی می‌شود. آموزش تفکر منجر به کنترل آگاهانه، دانش آگاهانه و شناخت آگاهانه شده و زمینه تفکر ناخودآگاه را نیز فراهم می‌کند.

تبیین مؤلفه‌ها از منظر قرآن

در این بخش مؤلفه‌های فرضیه‌های پژوهش به‌طور مختصر از منظر قرآن تبیین می‌شود.

گفتار و رفتار مودبانه، مستدل و منطقی

شیوه گفتار و رفتار و چگونگی آن به صورت‌های مختلف در قرآن ذکر شده است که هر شیوه بُعدی از ابعاد شخصیت اخلاقی انسان را در ارتباط با دیگران در جامعه نشان می‌دهد. از نظر قرآن، گفتار خوب آن است که گوینده آن قبل از سخن، به آن عمل کرده باشد. پیامبران مأمورند به آنچه می‌گویند، عمل کنند تا از تهمت به دور بوده و مورد قبول مردم واقع شوند؛ زیرا یکی از نشانه‌های صدق کلام، آن است که خود گوینده در عمل پیشی بگیرد و قول و فعل او مطابقت داشته باشد: «برای او شریکی نیست و مرا به این آیین فرمان داده اند و من نخستین مسلمانم» (انعام / ۱۶۳). این آیه بر صداقت قولی و مطابقت گفتار و رفتار، تأکید دارد (موسوی‌نسب، ۱۳۹۰). بررسی آیات قرآن بیانگر این است که انسان با تربیت اخلاق خود می‌تواند تربیت یافته قرآن شود و به قرب الهی نائل آید که در قرآن از آن باعنوان (...خُلِقَ عَظِيمًا) یاد شده است. خداوند جهت کمال منش انسان روش‌های متنوع و متناسب گفتار و رفتار را در موقعیت‌های مختلف در آیات متعدد بیان می‌کند. یکی از ارزش‌های اخلاقی در گفتار، رعایت ادب و تواضع است که به روش‌های متفاوت و متنوع توصیه می‌شود؛ از جمله: الف) گفتار مؤدبانه با والدین «و قل لهما قولاً کریماً». منظور از «قول کریم» در این آیه، همان سخن مؤدبانه است. تواضع و ادب در همه جا، در رفتار و گفتار، مطلوب است. ب) گفتار مستدل و محکم؛ در سوره نساء درباره حمایت محکم و مستدل از حقوق یتیمان در جامعه می‌فرماید «...قولاً سدیداً»؛ سخنی مستدل و محکم، سدید از ماده سد، به معنای استقامت و محکم‌بستن است. از آداب سخن، سدیدبودن کلام است، هر چه کلام با عقل و منطق و استدلال بیشتر همراه باشد، میزان تأثیر و ثبات آن بیشتر خواهد شد. اصولاً قرآن به دلیل آنکه سخنش یا با عقل هماهنگ است و یا با فطرت، از استحکام و استقامت خاصی برخوردار است. در جای دیگر، زمانی که قوم حضرت موسی (ع) به او تهمت ناروا می‌گفتند؛ خداوند می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: ای مؤمنان از خدا پروا داشته باشید و سخنی استوار و مستدل بگویید».

پ) انتقاد سازنده در بحث‌ها «...جادلهم بالتي هي احسن...» در مجادلات و گفتگوهای انتقادی بهترین شیوه را داشته باشید. مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث و مجادله پرداز. یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه‌یافتگان داناتراست. ت) گفتار پسندیده و مطلوب جهت پرهیز از سخنان تحریک‌آمیز؛ خداوند بر گفتار پسندیده تأکید دارد و می‌فرماید «...قولاً معروفاً»: گفتاری شایسته

داشته باشید. در آیه دیگر جهت برخورد پسندیده با افراد سفیه یا سبک‌مغز، می‌فرماید: «از اموال خودتان برای خوارک و پوشاک آنها کمک کنید و با آنها مطلوب سخن بگویید... وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا». در آیه دیگر به زنان پیامبر (ص) می‌فرماید: در ارتباط با دیگران مواظب گفتار خود باشید... وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا و گفتاری شایسته بگویید. ث) گفتار محبت‌آمیز و مهربانانه؛ گفتار محبت‌آمیز تأثیرپذیری عمیق‌تری در ارتباط با دیگران دارد اگر بخواهیم کسی را نصیحت یا راهنمایی کنیم که کلام ما قدرت نفوذ بیشتری داشته باشد، باید از سخنان محبت‌آمیز و از لحن مهربانانه استفاده کنیم، همان‌طور که خداوند جهت هدایت فرعون به حضرت موسی (ع) دستور داد: ای موسی زمان ارشاد فرعون با گفتاری نرم و با لحن مهربانانه مسائل الهی را به او بگو، امید است که هوشیار شود و آیین حق را بپذیرد یا بترسد و از سرکشی باز ایستد... قَوْلًا لَيِّنًا با نرم و مهربانی سخنی بگویید. ج) گفتار واضح و رسا؛ خداوند جهت ارتباط پیامبر (ص) با منافقان برای هدایت آنها می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که خدا آنچه را از نیات شوم و کینه و نفاق در دل‌های آنان است، می‌داند». بنابراین، از آنان روی برتاب و پندشان ده و به آنان سخنی رسا بگو که در دلشان اثر کند. آنها را از عواقب کارشان آگاه ساز... قَوْلًا بَلِيغًا؛ سخنی رسا و واضح. چ) گفتار بزرگووارانه و کریمانه نیکی به پدر و مادر از ویژگی‌های انبیا و موحدان واقعی است. نیکی و لطف کریمانه به والدین در کنار اطاعت از خداوند قرار دارد (قرائنی، ۱۳۸۳). می‌فرماید: «با پدر و مادر بزرگووارانه و شایسته سخن بگو و هرگز بر آنها پرخاش مکن، حتی حداقل کلام رنجش‌آوری مانند اف به آنها مگو... قَوْلًا كَرِيمًا؛ سخنی کریمانه و بزرگووارانه. ح) گفتار خوب و نیکو و قابل فهم؛ خداوند در سوره بقره سخن نیکوگفتن را به‌عنوان یکی از میثاق‌های بنی‌اسرائیل ذکر می‌کند و می‌فرماید: «و یاد کنید زمانی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید و با مردم با خوش‌زبانی سخن گوید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید. سپس همه شما جز اندکی از پیمان خدا روی گردانیدید و شما به‌طور عادت رویگردان هستید. «قولوا للناس حسنا»؛ با مردم با زبانی خوش سخن بگویید. سخن نیکو، زمینه محبت و دوستی را فراهم می‌کند و سخن زشت و سوسه شیطانی برای ایجاد جدایی بین مردم را به‌وجود می‌آورد. خداوند در این زمینه برای پرهیز مردم از دشمنی و ایجاد فتنه می‌فرماید: و به بند گانم بگو سخنی را که نیکوتر است بگویند، زیرا شیطان میان آنان به سبب سخنان زشت و بی‌منطق دشمنی می‌افکند. آری شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکاراست... یقولوا التی هی

احسن»؛ سخنی را که نیکوتر است بگویند. در جای دیگر می‌فرماید: «...يَفْقَهُوا قَوْلِي». سخنم را بفهمند. حضرت موسی (ع) برای دعوت فرعون به توحید به فرمان خدا می‌فرماید: «خدا یا سخنم را برای هدایت فرعون قابل فهم کن. خ) گفتار آهسته و امیدوارانه «وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»؛ هنگام سخن گفتن با آرامی سخن بگو و صدایت را بالا نبر. در جای دیگر، می‌فرماید: «قَوْلًا مَّيْسُورًا». برای رسیدن به رحمت الهی سخنی امیدوارانه بگو در بخشش دست‌ودلباز باش. «وَأِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى»: و اگر سخن خود را با صدای بلند آشکار کنی یا پنهان بداری، برای خدا یکسان است، زیرا او پنهان و پنهان‌تر را می‌داند. یا در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»: بی‌تردید کسانی که صدایشان را نزد رسول خدا پایین می‌آورند، آنان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...» ای مؤمنان! صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید. د) گفتار ارزشمند و ماندگار «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»: به یقین ما به زودی گفتاری سنگین چون آیات قرآن به تو القا خواهیم کرد. باتوجه به اینکه اکثر مفسرین قول ثقیل را به قرآن تفسیر کرده‌اند، اما مفهوم آن بیانگر کلام ارزشمند و ماندگار است. ثقل به معنای سنگینی است، چون کلام قرآن برای قرن‌ها ثابت مانده و پاسخگوی نیازهای بشر است. باتوجه به تأکید قرآن به رعایت گفتار و رفتار مؤدبانه و مستدل و انتقاد سازنده اصول حاکم بر آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت گفتار و رفتار مؤدبانه و مستدل دانش‌آموزان را فراهم کند.

احترام به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی

قرآن، بر همگانی‌شدن اخلاق کریمه تأکید دارد و در آیه ۳۸ سوره اسراء هر اقدام غیرعالمانه و ناآگاهانه را ناروا می‌داند «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ». همچنین در آیه ۴۳ سوره عنکبوت «...وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» به عالمانه و آگاهانه عمل کردن و عاقلانه‌زیستن دعوت می‌کند. از نظر قرآن، علم و دانش زمینه‌ساز تعقل و خردورزی و هوشمندانه عمل کردن است (سجادی، ۱۳۹۰). فکر، اندیشه، دوراندیشی، حساب‌گری، منطق، استدلال، فلسفه، هدایت و روشنایی از تجلیات کانون عقل است. هرگاه براساس آموزه‌های دینی، شعور ناخودآگاه انسان به شعور آگاه تبدیل شد، تمام کارهای انسان اخلاقی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۴). در قرآن، آیات متعددی بر عمل آگاهانه و عالمانه تأکید دارند؛ از جمله سوره نساء آیه ۵۷ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» و در

سوره طه آیه ۷۵ من یأته مؤمناً قد عمل الصالحات فأولئك لهم الدرجات العلی: یقیناً کسب ارزش‌های اصیل اخلاقی و اجتماعی به تعالی انسانیت و رفتارهای آگاهانه و عالمانه افراد کمک می‌کند. در سوره فصلت آیه ۳۵ می‌فرماید: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ: این شیوه را جز کسانی که (در زمینه خودسازی و آراستن خویش به ارزش‌های اخلاقی) پایداری کردند، دریافت نمی‌کنند و جز کسانی که بهره‌بزرگی (از تقوا و کمالات روحی) دارند، نمی‌پذیرند». این آیه اشاره می‌کند به مودتی که بعد از دعوت به حق بین افراد و پیامبر(ص) با رعایت ارزش‌های اخلاقی ایجاد شد.

تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی یکی از اهداف اساسی فلسفه برای کودکان است. احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی مورد تأیید جامعه در تعاملات اجتماعی و زندگی فردی، تقویت درک اخلاقی کودکان، فهم صحیح و دقیق ارزش‌های اخلاقی یکی از رویکردهای فلسفی اخلاق در آموزش فلسفه برای کودکان است که به‌عنوان کاوشگری اخلاقی مطرح می‌شود.

لیپمن معتقد است که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با انجام فلسفه با روش مباحثه، زمینه رشد اخلاقی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و این با درگیر کردن دانش‌آموز در کاوشگری اخلاقی که مستلزم تفکر نقادانه و خلاقانه است، میسر می‌شود (لیپمن، ۲۰۰۳).

احترام به دیگران

کسی که انتظار احترام از دیگران دارد، باید حرمت دیگران را حفظ کند. اگر می‌خواهی محترم باشی، باید همه را محترم بداری. رفتار محترمانه را باید در خانه آموخت. در مدرسه و در جامعه تمرین کرد. اگر انتظار دارید که دیگران با شما با احترام رفتار کنند، با دیگران با احترام رفتار کنید. حرمت‌نگه‌داشتن و احترام به دیگران یک عمل اخلاقی و هنجاری است و بر حفظ اصول اخلاقی و سنت‌ها و هنجارهای انسانی تأکید دارد که ناشی از پرورش فضایل اخلاقی است. خداوند در سوره اسراء آیه ۷۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»: انسان را موجودی کریم و محترم آفریده است. پیام اصلی آیه این است که انسان‌ها باید در برخوردها و روابطشان با یکدیگر شخصیت و حرمت دیگران را حفظ کنند و در آیه ۳۶ سوره نساء می‌خوانیم «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً..»: به اهمیت احترام و نیکی به پدر و مادر اشاره می‌کند. در آیه ۸۶ سوره نساء می‌فرماید: «و إِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رَدُّوْهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيَّ كُلِّ شَيْءٍ

حسیباً؛ در این آیه شریفه، خدای متعال به برخورد مناسب انسان‌ها با یکدیگر توجه دارد و تحیت نوعی احترام متقابل است. در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ «...فاعفُ عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الأمر»: مشورت پیامبر خدا با مردم در مسائل گوناگون، در حقیقت از مصادیق روشن احترام و بزرگداشت آنان محسوب می‌شود. در سوره لقمان آیه ۱۸ «...و لا تصعّر خدک للناس...»: خداوند رسول اعظم را به تواضع و فروتنی نسبت به مسلمین سفارش نموده است. در سوره حجرات آیه ۱۱ «یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یكونوا خیراً منهم»؛ مردم را از مسخره کردن یکدیگر منع می‌کند؛ چراکه اصل حفظ کرامت و شخصیت انسانی از اصول اساسی قرآن است. احترام به دیگران یکی از اصول اولیه فلسفه برای کودکان است که در این برنامه فرصت تمرین را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

عزت نفس

در قرآن کریم عزت مندی خداوند، توأم با کبریایی و عظمت بیان شده است. در سوره حشر آیه ۵۳ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ عزت حقیقی و کامل در خداوند متعال محقق است. در سوره منافقون آیه ۹ «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ در سوره نساء آیه ۱۳۹ «...فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ در سوره یونس آیه ۶۵ «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ در سوره فاطر آیه ۱۰ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛ مفاهیم آیات بیانگر این است که عزت واقعی از آن خداوند است و اگر انسان در مسیر تعالیم و ارزش‌های الهی حرکت کند، باورها و کردارهای فردی و اجتماعی خود را براساس مبانی حقیقی پرورش دهد، به عزت نفس واقعی در جامعه دست خواهد یافت.

روانشناسان، عزت نفس را عبارت از احساس ارزشمند بودن می‌دانند که این حس از مجموع افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیات انسان در طول زندگی ناشی می‌شود (هریس و همکاران به نقل از علی پور، ۱۳۷۲). مازلو، عزت نفس را در سلسله مراتب نیازهای انسان بعد از عشق و تعلق، قرار می‌دهد و عزت نفس را هسته مرکزی ساختار روان‌شناختی افراد می‌داند که آنها را در برابر اضطراب محافظت نموده و آسایش خاطرشان را فراهم می‌کند. عزت نفس، تبلوری از نگاه ارزشمند انسان به خود، خدا و جهان هستی و ارتباط بین آنهاست. از این رو، فرایند شکل‌گیری عزت نفس آدمی، زمانی میسر است که باورها و نگرش‌ها و اعتقادات او بر پایه ایدئولوژی و جهان‌بینی صحیح استوار باشد تا با هدف‌مند کردن انسان او را به اوج برساند. در قرآن کریم ماده

عز ۱۱۱ مرتبه، واژه العزّه ۱۰ مرتبه و عزیز ۱۵ مرتبه به کار رفته است. قرآن، عزت‌نفس را تنها از جانب خدا می‌داند و به تبع آن، هر کس فرمانبردار او امر الهی باشد و تقوای الهی پیشه کند، عزت واقعی را کسب کرده است. در قرآن عزت به معنای احساس ارزشمندی، مثمر ثمر بودن و احترام قائل شدن برای خود و دیگران است (محمدعلی نژادعمران، کمالوند، ۱۳۹۵). در آیات متعدد دیگر به نفس انسان اشاره می‌کند؛ از جمله در سوره شمس آیه ۷ می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا: و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته است. در آیه ۸ می‌فرماید: «فَالهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»: سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است. در آیه ۹ می‌فرماید: «وَقَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا: هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده است. در آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است». آیات سوره شمس اشاره می‌کند که انسان از طریق تزکیه و پاکسازی نفس و با عقلانیت به حکمت و معرفت و کمال انسانی دست می‌یابد. از نظر ملاصدرا عقل عملی، نفس انسان را برای پذیرش حقایق عالی عقلی مهیا می‌سازد و تخلق به اخلاق الهی و به عبارت دیگر، تشبه به باری تعالی که غایت حکمت متعالیه است، حاصل اکمال نفس در عقل عملی و عقل نظری است». در سوره نحل آیه ۱۱۱ می‌فرماید: «يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ: روزی راکه هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی‌خیزد و نتیجه اعمال هر کسی، بی‌کم و کاست، به او داده می‌شود و به آنها ظلم نخواهد شد!» در سوره انعام آیه ۷۰ می‌فرماید: «وَذُكْرَبِهِ أَنْ تُسَلِّ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ»: یادآوری کن که نفس آنچه کسب کند بدان گرفتار می‌شود». در سوره آل عمران آیه ۳۰ می‌فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحَضَّرًا»: روزی که هر کس، آنچه را که خودش کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند». این آیه «به نقش عاملیت انسان اشاره می‌کند که عمل او از بین نمی‌رود و انسان به عنوان عامل، نقش اساسی در نتیجه اعمال خود دارد و نسبت میان عمل خیر و نتیجه آن برابر نیست و بیش از آن است» (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در سوره اسراء آیه ۷ می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»: اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید بازهم به خود می‌کنید». در سوره انفطار آیه ۵ می‌فرماید: «عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ»: هر کس می‌داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است». در سوره طه آیه ۴۱ می‌فرماید: «وَأَصْطَفَعْتُكَ لِنَفْسِي»: و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم). این آیه به رحمت و محبت

مهربانانه خداوند به انسان (حضرت موسی) اشاره می‌کند و «مفهوم آیه بیانگر این است که ارزش والای مکانی و اخلاقی انسان موجب می‌شود که با آگاهی به چنین موقعیتی خود را از ابتلای به آلودگی‌های نفس، حفظ کند» (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

عزت نفس، با ناپاکی اخلاقی ناسازگار است. انسان را به وظیفه‌شناسی و تعهد اخلاقی سوق می‌دهد و از اعمال خلاف اخلاق، باز می‌دارد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵). زمانی که عزت همراه و توأم با نفس باشد، احساس ارزشمندی می‌کند و به خود آگاهی و خودشناسی می‌رسد. «اگر انسان به مرحله خودشناسی برسد، ذات اقدس الهی را آسان‌تر و بهتر خواهد شناخت و صفات، افعال و آثار او را بهتر می‌فهمد. از این رو، نزدیک‌ترین راه خداشناسی، خودشناسی است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶۴). عزت نفس هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. همچنین در نگاه قرآن، علاوه بر صفت ایجابی آراسته شدن به ارزش‌ها و اعتلای به بلندی، صفت سلبی نیز دارد و آن دوری از رذائل و هر آنچه موجب حقارت و پستی انسانیت است، می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۶۶). یافته‌های پژوهشی فراہتی و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان «رابطه بین الگوی ارتباط خانواده با منبع کنترل و عزت نفس نوجوانان»، بیانگر این است که عزت نفس، احساس کفایت شخصی برای مواجهه با چالش‌های بنیادین زندگی است و در رفتارهایی مانند جرئت‌ورزی، قاطعیت، مؤدب بودن و احترام به دیگران بروز می‌کند. گفت‌و شنود، تأثیر مثبتی در عزت نفس دانش‌آموزان دارد. در یافته‌های پژوهشی تلادو (۱۹۸۴) عزت نفس با شادبودن همبستگی مثبت دارد. عزت نفس، حاصل عملکرد سازگارانه و ثمربخش خود است. افرادی که عزت نفس پائین دارند، از سطح بسیار بالایی اضطراب رنج می‌برند. مازلو در سلسله مراتب نیازها، احساس ارزشمندی یا عزت نفس را مورد تأکید قرار می‌دهد. زمانی که این نیازها ارضا شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثمر بودن و اطمینان می‌کند. یافته‌های پژوهشی حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه» بیانگر این است که توانایی بیشتر در حل مسئله با افزایش عزت نفس و منبع کنترل درونی، رابطه دارد. برنامه فلسفه برای کودکان، زمینه تقویت عزت نفس دانش‌آموزان را فراهم می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، نیمه‌آزمایشی است و به صورت آمیخته (بخشی به صورت کمی و بخشی دیگر به صورت کیفی) مورد پژوهش قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر را ۴۵۳ نفر از دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان رامسر که در ۱۰ مدرسه و ۱۴ کلاس درس در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌دهند. ۸۶ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ۴۳ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۴۳ نفر به عنوان گروه گواه در نظر گرفته شدند. از کلیه آزمودنی‌ها قبل از اجرای عملی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته پیش‌آزمون به عمل آمد. آزمودنی‌های گروه آزمایش در یک دوره ۱۲ جلسه‌ای در معرض اثر متغیر مستقل قرار گرفتند. سپس بعد از پایان دوره آموزش مجدد از هر دو گروه گواه و آزمایش پس‌آزمون نهایی به عمل آمده و میانگین نمرات دو گروه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای اجرای عملی بر اساس ماهیت این پژوهش «طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون نهایی با گروه کنترل» (دلاور، ۱۳۸۵: ۳۶۰)، به کار گرفته شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود و توسط خود محقق تدوین شد. پرسشنامه تعداد ۴۰ گویه داشت. روایی محتوایی آن توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت مورد تأیید قرار گرفت و روایی^۱ پرسشنامه نگرش اخلاقی ۰/۹۰ و الفای کرانباخ پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد. در این پژوهش، آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان متغیر مستقل با استفاده از منابع آموزشی مستند و موجود و به کارگیری روش اجتماع پژوهش که تلفیقی از روش داستان و سؤال لیپمن و فیشر را به شرکت‌کنندگان در طی دوره‌ای آموزش داده و اثر آن را بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار داد. منابع محتوای آموزشی انتخاب شده شامل داستان دو نقاش با موضوع ارزش‌ها و زمینه بحث و استدلال مفاهیم احترام به ارزش‌ها، زیبایی و قدرشناسی (فیشر به نقل از شاهی لنگرودی، ۱۳۸۹) داستان‌های گلدان خالی با موضوع صداقت بحث و استدلال مفاهیم رفتار و گفتار منطقی و درست؛ بادبادک با موضوع اعتماد به نفس، بحث و استدلال مفاهیم احساس ارزشمندی؛ دم فرفری و دوستان با موضوع احترام، بحث و استدلال مفاهیم حقوق دیگران، همکاری گروهی، روابط صحیح با همسالان (پروینیان و همکاران، ۱۳۹۳)؛ داستان سلام مورچه‌های کوچک با موضوع حقوق دیگران بحث و استدلال

مفاهیم حقوق دیگران، احساس رضایت‌مندی از خود و دیگران (فلیپ و هوسی، ۲۰۱۵) می‌باشد. لازم به یادآوری است که این پژوهش با هر داستانی که نقش محرکی داشته باشد، قابل اجراست و محدودیتی در تعداد و نوع داستان وجود ندارد.

تحلیل داده‌های پژوهش

فرضیه کلی: آموزش فلسفه برای کودکان بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان، تأثیر دارد. جدول شماره ۱ مقایسه نمره میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون نگرش اخلاقی گروه‌های آزمایش و کنترل را مورد تحلیل قرار می‌دهد

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره میانگین میزان نگرش اخلاقی گروه‌های آزمایش و کنترل

نتایج آزمون تی	انحراف معیار		میانگین		
	گروه کنترل	گروه آزمایش	گروه کنترل	گروه آزمایش	
sig=۰/۰۰۰۱ T=۲۴/۶۷	۱۷/۱۸	۵/۷۹	۱۲۹/۵۱	۱۹۷/۷۴	پیش‌آزمون
sig=۰/۰۰۰۱ T=۲۶/۸۸	۱۵/۲	۳۱/۶	۱۳۲/۳۴	۲۷۶/۱۳	پس‌آزمون

قبل از انجام کوواریانس، ابتدا پیش‌فرض‌های آن یعنی برابری واریانس‌ها و نرمال‌بودن توزیع داده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) آزمون لونز برای بررسی مفروضه برابری واریانس‌ها

جدول ۲. نتایج آزمون لونز برای بررسی مفروضه برابری واریانس‌ها

متغیر وابسته	مقدار F	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	سطح معنی‌داری
نگرش اخلاقی	۰/۱۷۸	۱	۸۴	۰/۱۳۵
عزت‌نفس	۰/۱۸۲	۱	۸۴	۰/۱۲۶
احترام به دیگران	۰/۱۸۰	۱	۸۴	۰/۱۳۱
گفتار منطقی	۰/۱۷۹	۱	۸۴	۰/۱۳۳
احترام به ارزش‌ها	۰/۱۸۳	۱	۸۴	۰/۱۳۴

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که متغیر وابسته نگرش اخلاقی و مؤلفه‌های آن معنی‌دار نیستند. در نتیجه برای این متغیرها واریانس‌ها برابر هستند و داده‌ها از نرمالیتی (هنجاری) برخوردارند و اجرای آزمون کوواریانس بلامانع است.

ب) نتایج مربوط به آزمون نرمالیتی متغیرها

جدول ۳. نتایج تجزیه و تحلیل آماری مربوط به نرمالیتی

شاخص‌ها	کولموگراف		شاپیرو	
	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش اخلاقی	۸۶	/.۰۹۰	۸۶	/.۱۳۲
عزت نفس	۸۶	/.۱۰۵	۸۶	/.۱۴۱
احترام به دیگران	۸۶	/.۱۱۳	۸۶	/.۱۴۶
گفتار منطقی	۸۶	/.۰۸۷	۸۶	/.۱۲۱
احترام به ارزش‌ها	۸۶	/.۱۱۲	۸۶	/.۱۴۷

سطح معنی‌داری جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که متغیر نگرش اخلاقی در سطح معنی‌داری بالای ۰/۰۵ از نوع بهنجار است. بنابراین، با توجه به بهنجار بودن داده‌ها از آزمون‌های مختص پارامتریک استفاده خواهد شد.

جدول ۴. آزمون اثرات هم‌تغییری متغیر وابسته: نگرش اخلاقی گروه پس‌آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات ای جزئی
مدل تصحیح شده کل	۴۴۴۶۸۷/۱	۲	۲۲۲۳۴۳/۵	۳۵۸/۳۷	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۸۹۶
ضریب تأثیر	۲۵۲۱۲/۲۸	۱	۲۵۲۱۲/۲۸	۴۰/۶۳	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۳۲۹
پیش‌آزمون	۱۵۸/۲۲	۱	۱۵۸/۲۲	۱۵۸/۲۲	sig=۰/۶۱۵	۰/۰۰۳
بین‌گروهی	۵۹۵۰۴/۳	۱	۵۹۵۰۴/۳	۵۹۵۰۴/۳	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۵۳۶
درون‌گروهی	۵۱۴۹۴/۷۸۳	۸۳				
کل	۴۰۸۳۳۱۸۶	۸۶				
تصحیح شده کل	۴۹۶۱۸۱/۸	۸۵				

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی df1 , df2	سطح معنی‌داری α	F محاسبه‌شده	F جدول بحرانی
۱ و ۸۳	۰/۰۱	۹۵/۹۱	۶/۹۶

F محاسبه‌شده چون از عدد جدول بحرانی بیشتر است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اگر میزان نگرش اخلاقی گروه پیش‌آزمون در فرایند هم‌تغییری وارد شود (و اثرات آن به‌عنوان متغیر همراه کنترل گردد) بین میزان نگرش اخلاقی دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ یعنی با اطمینان ۹۹٪ آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان نگرش اخلاقی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد. فرضیه فرعی اول: آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار و گفتار مؤدبانه، مستدل و منطقی دانش‌آموزان، تأثیر دارد.

جدول ۶. آزمون اثرات هم‌تغییری متغیر وابسته: میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی گروه پس‌آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات ای جزئی
مدل تصحیح شده کل	۲۰۴۸/۱۹	۲	۱۰۲۴/۰۹	۱۳۵/۶۷	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۶۶
ضریب تأثیر	۸۳۴/۱۶۱	۱	۸۳۴/۱۶	۱۱۰/۵	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۵۷۱
پیش‌آزمون	۶/۷۸۸	۱	۶/۷۸۸	۰/۸۹۹	sig=۰/۳۴۶	۰/۰۱۱
بین‌گروهی	۱۸۹۷/۳۸۱	۱	۱۸۹۷/۳۵	۲۵۱/۳۶	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۵۲
درون‌گروهی	۶۲۶/۵۱	۸۳	۷/۵۴۸			
کل	۵۶۱۷۵	۸۶				
تصحیح شده کل	۲۶۷۴/۷	۸۵				

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در اینجا سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ می‌باشد (یعنی کم‌تر از ۰/۰۱) F محاسبه‌شده = ۲۵۱/۳۶ تفاوت بین اثر آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان در مرحله پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل را در سطح کم‌تر از ۰/۰۱

تعیین کرده است. نتیجه دیگری که جدول فوق دارد، مقدار ضریب تعیین در پایین جدول است. این ضریب که مقدار تعدیل شده آن برابر با ۰/۷۶۶ است، نشان می‌دهد که متغیر اثر آموزش فلسفه برای کودکان به‌عنوان متغیر مستقل تأثیرگذار بر میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان توانسته ۰/۷۶ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی df1 , df2	سطح معنی داری α	F محاسبه شده	F جدول بحرانی
۱ و ۸۳	۰/۰۱	۲۵۱/۳۶	۶/۹۶

چون f محاسبه شده از عدد جدول بحرانی، بیشتر است، بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اگر بر میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان گروه پیش‌آزمون در فرایند هم‌تغییری وارد شود (و اثرات آن به‌عنوان متغیر همراه کنترل گردد)، بین میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد؛ یعنی با اطمینان ۹۹٪ اثربخشی آموزش فلسفه بر میزان رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم: آموزش فلسفه برای کودکان بر روحیه احترام بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول ۸. آزمون اثرات هم‌تغییری متغیر وابسته: میزان روحیه احترام بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی گروه

پس‌آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات ای جزئی
مدل تصحیح شده کل	۲۱۵۵/۲۹	۲	۱۰۷۷/۶۴	۲۳۲/۸	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۹
ضریب تأثیر	۱۳۴۵/۸۲	۱	۱۳۴۵/۸۲	۲۹۰/۷۴	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۷۸
پیش‌آزمون	۱۵/۲۸	۱	۱۵/۲۸	۳/۳۰۲	sig=۰/۷۳۰	۰/۳۸
بین‌گروهی	۲۱۵۵/۰۳	۱	۲۱۵۵/۰۳	۴۶۵/۵۵	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۹

			۴/۶۲	۸۳	۳۸۴/۲	درون گروهی
				۸۶	۵۴۱۶۱	کل
				۸۵	۲۵۳۹/۵	تصحیح شده کل

همان طور که ملاحظه می شود در اینجا F محاسبه شده (۴۶۵/۵۵=م است) دارای سطح معناداری ۰/۰۰۱ می باشد (یعنی کم تر از ۰/۰۱) می باشد.

تفاوت بین اثر آموزش فلسفه بر میزان روحیه احترام بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان در مرحله پس آزمون، دو گروه آزمایش و کنترل را در سطح کم تر از ۰/۰۱ تعیین کرده است. نتیجه دیگری که جدول فوق دارد، مقدار ضریب تعیین در پایین جدول است. این ضریب که مقدار تعدیل شده آن برابر با ۰/۸۴ می باشد، نشان می دهد که متغیر اثر آموزش فلسفه برای کودکان به عنوان متغیر مستقل بر میزان روحیه احترام بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان، تأثیر گذار بود و توانست ۰/۸۴ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

جدول ۹. نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه گیری

درجه آزادی df1 , df2	سطح معنی داری α	F محاسبه شده	F جدول بحرانی
۱ و ۸۳	۰/۰۱	۴۶۵/۵۵	۶/۹۶

چون f محاسبه شده از عدد جدول بحرانی بیشتر است، بنابراین، نتیجه می گیریم که اگر بر میزان روحیه احترام بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان گروه پیش آزمون در فرایند هم تغییری وارد شود (و اثرات آن به عنوان متغیر همراه کنترل گردد)، بین میزان روحیه احترام بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون، تفاوت معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹٪ اثربخشی آموزش فلسفه بر میزان روحیه احترام بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان را تأیید می کند.

تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان (فیک) بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن ۱۳۳/

فرضیه فرعی سوم: آموزش فلسفه برای کودکان بر روحیه احترام به دیگران دانش‌آموزان اثر دارد.

جدول ۱۰. آزمون اثرات هم‌تغییری متغیر وابسته: میزان روحیه احترام به دیگران گروه پس‌آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات ای جزئی
مدل تصحیح شده کل	۲۲۸۶/۵۸	۲	۱۱۴۳/۲۹	۱۴۴/۸۹	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۷۷
ضریب تأثیر	۱۴۶۱/۷۷	۱	۱۴۶۶۱/۷۷	۱۸۵/۲۵	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۶۹۱
پیش آزمون	۴/۶۲۴	۱	۴/۶۲۴	۰/۵۸۶	sig=۰/۴۴۵	۰/۰۰۰۷
بین گروهی	۲۲۴۱/۷	۱	۲۲۴۱/۷	۲۸۴/۱	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۷۴
درون گروهی	۶۵۴/۹۱	۸۳	۷/۸۹			
کل	۵۴۵۶۳	۸۶				
تصحیح شده کل	۲۹۴۱/۵	۸۵				

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در اینجا F محاسبه شده (۲۸۴/۱)، دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ می‌باشد (یعنی کم‌تر از ۰/۰۱ است). تفاوت بین اثر آموزش فلسفه بر میزان روحیه احترام بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان دو گروه مرحله پس‌آزمون، آزمایش و کنترل را در سطح کم‌تر از ۰/۰۱ تعیین کرده است، نتیجه دیگری که جدول فوق دارد، مقدار ضریب تعیین در پایین جدول است این ضریب که مقدار تعدیل شده آن برابر با ۰/۷۷ می‌باشد، نشان می‌دهد که متغیر اثر آموزش فلسفه برای کودکان به‌عنوان متغیر مستقل بر میزان روحیه احترام به دیگران دانش‌آموزان تأثیرگذار بود و توانست ۰/۷۷ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

جدول ۱۱. نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی df1 , df2	سطح معنی داری α	F محاسبه شده	F جدول بحرانی
۱ و ۸۳	۰/۰۱	۲۸۴/۱	۶/۹۶

چون f محاسبه شده از عدد جدول بحرانی بیشتر است، بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اگر بر میزان روحیه احترام به دیگران دانش‌آموزان گروه پیش‌آزمون در فرایند هم‌تغییری وارد شود (و اثرات آن به‌عنوان متغیر همراه کنترل گردد)، بین میزان روحیه احترام به دیگران دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش با اطمینان ۹۹٪، اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان احترام به دیگران دانش‌آموزان را تأیید می‌کند.

فرضیه فرعی چهارم: آموزش فلسفه برای کودکان بر عزت‌نفس دانش‌آموزان، تأثیر دارد.

جدول ۱۲. آزمون اثرات هم‌تغییری متغیر وابسته: میزان عزت‌نفس گروه پس‌آزمون

منبع متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات ای جزئی
مدل تصحیح شده کل	۲۱۱۹۴	۲	۱۰۵۹/۷۳	۱۰۵۹/۷۳	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۳
ضریب تأثیر	۱۱۷۵/۷۱	۱	۱۱۷۵/۷۱	۲۴۷/۷	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۷۴۹
پیش‌آزمون	۹/۲۸۴	۱	۹/۲۸۴	۱/۹۵	sig=۰/۱۶۶	۰/۲۳۰
بین‌گروهی	۲۱۱۶/۹	۱	۲۱۱۶/۹	۲۱۱۶/۹	sig=۰/۰۰۰۱	۰/۸۴۳
درون‌گروهی	۳۹۳/۸	۸۳	۴/۷۴			
کل	۵۵۰۷۰	۸۶				
تصحیح شده کل	۲۵۱۳/۳	۸۵				

همان‌طور که ملاحظه می‌شود F محاسبه شده (۴۴۶/۱) است، دارای سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ می‌باشد (یعنی کمتر از ۰/۰۱ است).

تفاوت بین اثر آموزش فلسفه بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان در مرحله پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل را در سطح کم‌تر از $0/01$ تعیین کرده است. نتیجه دیگری که جدول فوق دارد، مقدار ضریب تعیین در پایین جدول است. این ضریب که مقدار تعدیل‌شده آن برابر با $0/84$ می‌باشد، نشان می‌دهد که متغیر اثر آموزش فلسفه برای کودکان به‌عنوان متغیر مستقل بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان تأثیرگذار بود و توانست $0/84$ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

جدول ۱۳: نتایج تحلیل کوواریانس برای نتیجه‌گیری

درجه آزادی df1 , df2	سطح معنی‌داری α	F محاسبه‌شده	F جدول بحرانی
۱ و ۸۳	۰/۰۱	۴۴۶/۱	۶/۹۶

چون f محاسبه‌شده از عدد جدول بحرانی بیشتر است، بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اگر بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان گروه پیش‌آزمون در فرایند هم‌تغییری وارد شود (و اثرات آن به‌عنوان متغیر همراه کنترل گردد)، بین میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش با اطمینان 99% ، اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قرآن، بر همگانی‌شدن اخلاق کریمه تأکید دارد و به عالمانه و آگاهانه عمل کردن و عاقلانه‌زیستن دعوت می‌کند. از نظر قرآن، علم و دانش، زمینه‌ساز تعقل و خردورزی و هوشمندانه عمل کردن است. فلسفه‌ورزی به رشد اخلاقی دانش‌آموزان کمک می‌کند. اصل حلقه کندوکاو فارغ از موضوع‌هایی که می‌تواند در آن مورد بحث قرار گیرد، مستلزم نوعی تمرین برای اخلاقی‌بودن است. بررسی نتایج جدول شماره چهار نشان می‌دهد که فلسفه‌ورزی تا حدود ۸۵ درصد بر نگرش اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر داشته است. نتایج جدول شماره یک بیانگر این است که بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و گروه گواه، تفاوت معنی‌داری

وجود دارد. یافته‌های پژوهش (حسینی، ۱۳۹۱) و (بوربا، ۲۰۰۱، به نقل از کاوسی، ۱۳۹۰: ۲۸) تاحدودی نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند و بیانگر این است که آموزش فلسفه به کودکان به رشد اخلاقی دانش‌آموزان کمک می‌کند. چون «نگرش اخلاقی آموختنی است و باید آگاهانه شکل بگیرد»، نگرش‌های اخلاقی از ارزش‌های سیاسی و فلسفی حاکم بر جامعه نشئت می‌گیرد. اگر رفتارهای اخلاقی و ارزشی افراد در جامعه مطلوب باشد، آرامش و امنیت روانی توأم با سلامت در جامعه حاکم می‌شود. این امر مستلزم این است که نظام آموزشی بستر یادگیری رفتارهای مطلوب کودکان و نوجوانان را فراهم کند تا آنها بیاموزند که چه رفتارهای اخلاقی مطلوبی در برخورد با دیگران در جامعه داشته باشند. یادگیری مطلوب به اصلاح نگرش افراد کمک می‌کند و در صورت اصلاح نگرش، رفتارهای اخلاقی درونی‌سازی می‌شود. این همان حرکت و توسعه به سمت همگانی‌شدن اخلاق در جامعه مورد تأکید قرآن است. آرمان نظام توحیدی، توسعه مکارم و فضایل اخلاقی است. کانون توجه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، آموزش نحوه اندیشیدن است. کیفیت زندگی انسان به کیفیت اندیشیدن او بستگی دارد و با ماهیت زندگی اجتماعی افراد که شامل ابعاد اخلاقی، اجتماعی و شهروندی است، ارتباط دارد. فلسفه‌ورزی مستلزم توجه به ارزش‌های اخلاقی جامعه است تا به آگاهی انتقادی برسند و بتوانند اندیشمندانه در مسائل زندگی اجتماعی، جامعه و جهان مشارکت کنند. آموزش و پرورش باید توسعه‌دهنده اندیشه‌های کودکان و نوجوانان باشد و بستر مناسبی را فراهم کند تا دانش‌آموزان خودشان روش‌های فهم معانی را توأم با عقلانیت کشف کنند. در این صورت، فضایل عقلانی به پرورش فضایل و منش‌های اخلاقی منجر خواهد شد.

بررسی نتایج جدول شماره شش نشان می‌دهد که فلسفه‌ورزی تاحدود ۷۶ درصد بر رفتار و گفتار مستدل و منطقی دانش‌آموزان تأثیر داشت. همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا: ای مؤمنان از خدا پروا داشته باشید و سخنی استوار و مستدل بگویید.» انتقاد سازنده در بحث‌ها در آیه «...جادلهم بالتي هي احسن...» در مجادلات و گفتگوهای انتقادی، بهترین شیوه را داشته باشید. مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث و مجادله پرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه‌یافتگان داناتر است. با توجه به تأکید قرآن به رعایت گفتار و رفتار مؤدبانه و مستدل براساس اصول آموزش فلسفه برای کودکان بستر مناسبی برای

تقویت گفتار و رفتار مؤدبانه و مستدل برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان ذکر کرد که شکل‌گیری یک برنامه موفق فلسفه برای کودکان بر محور گفتگو بین همه اعضای شرکت‌کننده در گروه است و ساختار برنامه فلسفه برای کودکان گفتگومحور است و نقش اساسی دارد. گفتگوی مستدل، از اهداف فلسفه برای کودکان است. باید از بیان سخنان لغو و بیهوده و بدون استدلال محکم، پرهیز کرد. اگر در فرایند نظام تعلیم و تربیت این امر مورد توجه قرار گیرد، اعتماد عمومی در بستر جامعه شکل می‌گیرد. آسیب‌های اخلاقی، پرخاشگری و مشاجرات لفظی در جامعه و خانواده از بین می‌رود، منش‌های شخصیتی معقولانه پرورش پیدا می‌کند، در نتیجه، جامعه به توسعه و آرمان حقیقی نزدیک‌تر می‌شود. این امر به تحقق بخشی از ساحت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت، کمک خواهد کرد.

بررسی نتایج جدول شماره ۸ بیانگر این است که فلسفه‌ورزی در این پژوهش تا حدود ۸۴ درصد بر روحیه احترام بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر داشت. یافته‌های پژوهشی مرعشی و همکاران (۱۳۸۶) و (آقاحسینی، ۱۳۸۹: ۶۰ و ۱۲۸) تا حدودی نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند و بیانگر این است که رویکرد متداول در آموزش اخلاق در مدارس، آموزش درست و غلط است. در این نگرش تدریس شامل حفظ ارزش‌های بنیادی مشخصی است؛ مثل راستگویی، تعهد به دیگران و پیروی از مقرارتی که به وسیله جامعه وضع شده است. اما هر قدر هم این ارزش‌های بنیادی ستودنی باشد، تعلیم و تربیت اخلاقی باید فراتر از آنها باشد. ارزش‌هایی که پندآموزانه باشند، احتمالاً درونی نخواهند شد و بخشی از عقاید و ارزش‌های کودک را به خود اختصاص نخواهد داد. کودکان باید بیاموزند که همه اعمال اخلاقی دلیل دارند و نیازمند مهارت‌هایی هستند تا به آنها کمک کند تا تعارض‌های اخلاقی را که در زندگی برایشان پیش می‌آید، حل کنند. «سازمان‌های آموزشی هوشمند نسبت به ایجاد و توسعه ارزش‌های اخلاقی مسئول هستند و باید امور اخلاقی نهادینه شده و به یک باور درونی تبدیل شود.» همچنین در قرآن آیات متعددی بر عمل آگاهانه و عالمانه تأکید دارد. از جمله سوره نساء آیه ۵۷ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... و در سوره طه آیه ۷۵ مَنْ يَأْتِهُ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى؛ یقیناً کسب ارزش‌های اصیل اخلاقی و اجتماعی به تعالی انسانیت و رفتارهای آگاهانه و عالمانه افراد کمک می‌کند. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی یکی از اهداف اساس فلسفه برای کودکان است. فرایند فلسفه برای کودکان بر اساس قواعد اخلاقی و استدلال عقلانی با شیوه‌ها،

قواعد خاص و اصول ارزشمندی است که با عقلانیت به ماهیت انسانی انسان کمک می‌کند. فلسفه برای کودکان این ظرفیت را دارد که بستر مناسبی را برای تبدیل اخلاقیات به مجموعه منش‌های انسانی اخلاقی و عقلانی و به‌طور کلی به فضایل را فراهم کند. این فرایند در همه مقاطع تحصیلی به‌ویژه دوره ابتدایی باید مورد تأکید نظام آموزشی قرار گیرد و غفلت از اجرای آن می‌تواند آسیب‌های جدی اخلاقی و اجتماعی را در آینده ایجاد کند. این امر به تحقق بخشی از ساحت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت کمک خواهد کرد. جهت عملی شدن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، علاوه بر تأکید عملی بر فرایند منش انسانی کودکان و نوجوانان، باید اصولی را مورد توجه قرار داد؛ از جمله: تبیین مطلوب ارزش‌ها، جهت تقویت درک اخلاقی کودکان و نوجوانان تا بتوانند در مواجهه با ارزش‌های متضاد، بر ارزش‌های مطلوب خود به‌عنوان یک سند تکیه کنند. تبیین ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی موردانتظار جامعه و تأثیر آن بر غنای زندگی فردی و اجتماعی جهت تقویت باورها و درک اخلاقی. فراهم کردن زمینه تعمق و تفکر اخلاقی براساس اصل تدبر و تفکر؛ خداوند به تعمق و تفکر دعوت می‌کند «افلا یتدبرون»، پرهیز از تلقین ارزش‌ها توسط والدین و معلمان؛ کودکان و نوجوانان در فرایند رشد، معرفت و شناخت نسبی پیدا می‌کنند. اگر در مواجهه با ارزش‌ها به‌صورت تلقینی برخورد شود، آنها را در مراحل رشد اخلاقی و عقلانی دچار تضاد خواهد کرد و بستر رویگردانی از مسائل اخلاقی را فراهم خواهد کرد.

بررسی نتایج جدول شماره ۱۰ بیانگر این است که فلسفه‌ورزی بر روحیه احترام به دیگران تا حدود ۷۷ درصد تأثیر داشت. اگر انتظار دارید که دیگران با شما با احترام رفتار کنند، اولین قدم این است که با دیگران با احترام رفتار کنید. احترام به دیگران یکی از اصول اولیه فلسفه برای کودکان است که در این برنامه فرصت تمرین برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود. معلمان با به‌کارگیری این روش می‌توانند شرایط مطلوبی را در کلاس درس برای پرورش خردورزی، عقلانیت، تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان ایجاد کنند. معلمان با بهره‌گیری از این روش می‌توانند فرصت‌هایی برای خودانگیختگی، خودسامانی و روحیه احترام به دیگر دانش‌آموزان را فراهم کنند. رویکرد اجتماع پژوهشی به معلمان کمک می‌کند تا با تغییر نگرش خود یادگیری معنادار دانش‌آموزان را تقویت کنند. حرمت‌نگه داشتن و احترام به دیگران، یک عمل اخلاقی و هنجاری است و بر حفظ اصول اخلاقی و سنت‌ها و هنجارهای انسانی تأکید دارد که ناشی از پرورش فضایل اخلاقی است. همچنین خداوند در سوره اسراء آیه ۷۰ می‌فرماید:

«و لقد کرّمنا بنی آدم...»: انسان را موجودی کریم و محترم آفریده است. پیام اصلی آیه این است که انسان‌ها باید در برخوردها و روابطشان با یکدیگر شخصیت و حرمت دیگران را حفظ کنند و در آیه ۳۶ سوره نساء «واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین إحساناً...»: به اهمیت احترام و نیکی به پدر و مادر اشاره می‌کند. در آیه ۸۶ سوره نساء می‌فرماید: «و إذا حیّتم بتحیه فحیوا بأحسنَ منها أو ردّوا إن الله کان علی کلّ شیءٍ حسیباً». در این آیه تحیت نوعی احترام متقابل است. در سوره آل‌عمران آیه ۱۵۹ «...فاعفُ عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الأمر...»: مشورت پیامبر خدا با مردم در مسائل گوناگون، از مصادیق روشن احترام محسوب می‌شود. در سوره لقمان آیه ۱۸ «...و لا تصعّر خدک للناس...» خداوند رسول اعظم را به تواضع و فروتنی نسبت به مسلمین سفارش نموده است. در سوره حجرات آیه ۱۱ «یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یكونوا خیراً منهم»: مردم را از مسخره کردن یکدیگر منع می‌کند؛ چراکه اصل حفظ کرامت و شخصیت انسانی که از اصول اساسی قرآن است. احترام به دیگران یکی از اصول اولیه فلسفه برای کودکان است که در این برنامه فرصت تمرین برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

بررسی نتایج جدول شماره ۱۲ بیانگر این است که فلسفه‌ورزی در این پژوهش تا حدود ۸۴ درصد بر عزت‌نفس دانش‌آموزان تأثیر داشت. یافته‌های پژوهشی فراهتی و همکاران (۱۳۹۰)، تلادو (۱۹۸۴) و حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۹)، بیانگر این است که عزت‌نفس، احساس کفایت شخصی برای مواجهه با چالش‌های بنیادی زندگی است و در رفتارهایی مانند جرئت‌ورزی، قاطعیت، مؤدب‌بودن و احترام به دیگران بروز می‌کند. گفت‌وشنود، تأثیر مثبتی در عزت‌نفس دانش‌آموزان دارد. عزت‌نفس با شادبودن همبستگی مثبت دارد. عزت‌نفس، حاصل عملکرد سازگارانه و ثمربخش خود است. افرادی که عزت‌نفس پائین دارند، از سطح بسیار بالای اضطراب رنج می‌برند. مازلو در سلسله‌مراتب نیازها، احساس ارزشمندی یا عزت‌نفس را مورد تأکید قرار می‌دهد. زمانی که این نیازها ارضا شود فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثرثمر بودن و اطمینان می‌کند که توانایی بیشتر در حل مسئله با افزایش عزت‌نفس و منبع کنترل درونی رابطه دارد. این یافته‌های پژوهشی تاحدودی نتایج پژوهش را تأیید می‌کنند. همچنین در قرآن کریم عزّت‌مندی خداوند، توأم با کبریایی و عظمت بیان شده است و عزّت حقیقی و کامل در خداوند متعال محقق است. خداوند در قرآن به آیاتی درباره عزت اشاره می‌کند از جمله در سوره حشر آیه ۵۳ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ

اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛ در سوره نساء آیه ۱۳۹ «... فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ در سوره یونس آیه ۶۵ «... إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ در سوره فاطر آیه ۱۰ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...». مفاهیم آیات بیانگر این است که عزت واقعی از آن خداوند است و اگر انسان در مسیر تعالیم و ارزش‌های الهی حرکت کند، باورها و کردارهای فردی و اجتماعی خود را براساس مبانی حقیقی پرورش دهد، به عزت‌نفس واقعی در جامعه دست خواهد یافت؛ چون تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان موجب می‌شود تا آنها بتوانند با دیگران ارتباط سالم برقرار کنند، در جامعه، مدرسه و خانواده ابراز وجود کرده و احساس ارزشمندی کنند، توانایی‌های خود را بشناسند و آنها را شکوفا کنند، جرئت لازم را برای توسعه جامعه پیدا می‌کنند. لذا برنامه فلسفه برای کودکان می‌تواند بستر لازم را برای تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان فراهم کند. نظام آموزشی باید برای تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان، برنامه‌های مدونی در برنامه درسی تدوین کند. محتوی آموزشی را که به درونی‌شدن عزت‌نفس دانش‌آموزان کمک می‌کند در کتب درسی و برنامه درسی لحاظ کند که در سند تحول به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ساحت اخلاقی ذکر شده است و این امر به تحقق بخشی از ساحت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت کمک خواهد کرد. با توجه به تبیین مؤلفه‌های پژوهش از منظر قرآن و تأکید آن بر تربیت انسان‌های وارسته و فرهیخته براساس تعالیم الهی و دعوت به زیستن عالمانه و آگاهانه و هماهنگی برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) با مفاهیم قرآن این برنامه به‌عنوان یک الگوی تربیتی و تجربی موفق که به‌صورت کاوشگری اخلاقی در راستای پرورش و نگرش اخلاقی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

منابع

قرآن کریم

- آقاحسینی، تقی (۱۳۸۹)، مدرسه هوشمند؛ کاربرد هوش‌های چندگانه سازمانی در مدیریت مدارس، چاپ اول، اصفهان: نشر نوشته.
- اسمیت، الیوت ار. و مکی، دیان ام. (۱۳۹۲)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مؤگان سپاه‌منصور و مجید صفارنیا، تهران: نشر و انیا.
- افلاطون (۱۳۸۱)، جمهوری، ترجمه فواد روحانی، ویرایش هشتم، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- بوربا، ملیکه (۲۰۰۱)، پرورش هوش اخلاقی، ترجمه فیروزه کاوسی، (۱۳۹۰)، تهران: انتشارات رشد.
- پروینیان، مؤگان و همکاران (۱۳۹۵)، طرح و بحث برای مدیریت کلاس فلسفه و کودک، تهران: انتشارات بنیاد حکمت ملاصدرا.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۴)، اخلاق و مذهب، قم: انتشارات تشیع.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶)، کرامت در قرآن، قم: مرکز فرهنگی رجا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر انسان به انسان، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسرا.
- حسینی، سیدحسام (۱۳۸۸)، بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی دوره ابتدائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۱)، کتاب ماه فلسفه، شماره ۶۳: ۳۴-۳۷.
- حسینی‌نسب، سیدداود؛ مصرآبادی، جواد و آقاجان‌زاده، ناهید (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه، آموزش و ارزشیابی، شماره ۱۱.
- دلاور، علی (۱۳۸۵)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی، چاپ پنجم: تهران انتشارات رشد.
- رشتچی، مژگان (۱۳۸۹)، بررسی نظریه ویگوتسکی از دیدگاه روان‌شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره اول: ۲۰-۳.
- رمضانی، معصومه (۱۳۸۹)، بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره اول: ۳۵-۲۱.
- سجادی، سیدابراهیم (۱۳۹۰)، قرآن و ارزش اخلاقی عواطف و احساسات، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲: ۶۸-۲۰.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، چاپ ششم، تهران: نشر دوران.
- شرفی، م. (۱۳۸۸)، فلسفه تربیتی اسلام با رویکرد تطبیقی، تهران: انتشارات منادی تربیت.
- صفایی‌مقدم، مسعود و همکاران (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر روش اجتماع‌پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های استدلالی دانش‌آموزان پسر سوم راهنمایی مدارس نمونه دولتی اهواز، فصلنامه علوم تربیتی دانشگاه اهواز، شماره ۷۶: ۵۵-۳۱.
- عسکری، مهدیه؛ نوری، ابراهیم و خاک‌پور، حسین (۱۳۹۵)، کارکردهای تربیتی عزت‌نفس و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۲۴: ۱۴۶-۱۳۱.
- فخرایی، الهام (۱۳۸۹)، فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند فلسفه با جامعه، فصلنامه تفکر و کودک، سال اول، شماره اول: ۸۱-۶۹.
- فرمیپنی فراهانی، محسن (۱۳۸۷)، تبیین اهداف آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف، فصلنامه حکمت و فلسفه، سال چهارم، شماره ۴: ۷۰-۴۵.
- فیشر، رابرت (۱۹۴۳)، آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیانزاده (۱۳۸۵)، اهواز: رسش.

- فیشر، رابرت (۱۹۹۶)، *داستان‌هایی برای فکر کردن*، ترجمه سیدجلیل شاهری لنگرودی (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۳)، *آموزش فلسفه به کودکان*، تهران: نشر دواوین.
- کردان، علیمحمد و همکاران (۱۳۹۲)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- کریمی، یوسف (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر ارسباران.
- کیامنش، علی‌رضا (۱۳۹۳)، *روش‌های ارزشیابی آموزشی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات پیام نور.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).
- محمدعلی‌نژاد عمران، روح‌الله و کاملوند، پیمان (۱۳۹۵)، *مفهوم‌شناسی تطبیقی عزت‌نفس در قرآن و روان‌شناسی انسان‌گرا، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، شماره ۲۷: ۳۲-۱.
- مرعشی، سیدمنصور و همکاران (۱۳۸۶)، *بررسی تأثیر روش اجتماع‌پژوهشی بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان دختر؛ مطالعات برنامه درسی*، شماره ۷: ۱۲۳-۹۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار*، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق (۱۳۹۰)، *طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی بزرگسالان در قرآن* با تأکید بر وظایف مربی، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۲.
- نوروزی، رضاعلی و عاطفت‌دوست، حسین (۱۳۹۰)، *تربیت اخلاقی بررسی تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبرگ، معرفت اخلاقی*، شماره ۶: ۵۳-۶۸.
- هریس، کلمز؛ امینه، کلارک و رینولد، بین (۱۹۲۹)، *روش‌های تقویت عزت‌نفس در نوجوانان*، ترجمه پروین علی‌پور، *مهرنوش هدایتی*، (۱۳۸۸)، *آموزش فلسفه برای کودکان رایحه تفکر*، *مجله فرهنگ*، شماره ۶۹: ۲۷۷-۳۰۲.

- Barrow, w (2010) Dialogic, participation and the potential for Philosophy for Children, *Thinking Skills and Creativity* 5 61-69
- Daniel, E., Dys, S, Buchmann, M, Malti, T, (2014) Developmental relations between sympathy, moral emotion attributions, moral reasoning, and social justice values from childhood to early adolescenc, *Journal of Adolescence* 37 1201-1214
- Gruioniu, O(2013)The philosophy for Children, an ideal tool to stimulate the , *thinking skills* , *Social and Behavioral Sciences* 76 378 – 38
- Gokalp,N (2012) Philosophy education and human freedom, *Social and Behavioral Sciences* 47 477 – 47
- Golding, c, (2011) , *Educating Philosophically: The educational theory of Philosophy for Children* , *Educational Philosophy and Theory*, Vol. 43, No. 5,
- Gur ,Cagla (2011), *Philosophy in the early years*, *Social and Behavioral Sciences*, 12, 501-511.
- Juuso,H(2007) ,child philosophy and education ,discussing the intellectual sources of philosophy for children , *oulu university press*
- Jones ,h (2015) *Teaching Thinking – Philosophical Enquiry in the Classroom* , *Thinking Skills and Creativity* 16 9-10

- Lipman, M. (2003). Thinking in education (2nd edition). Cambridge & New York: Cambridge University Press
- Philip and Hannah Hoose(2015), Hey, Little Ant : Tricycle Press
- Sprod , T (2004)Philosophical discussion in moral education: the community of ethical inquiry/. published in the USA and Canada , by Routledge
- Kuldas , S , Nizam Ismail , H , Hashim ,S , (2013) How thinking works: The challenge of teaching how to think, Social and Behavioral Sciences, 97 368 – 376

